



عباسقلی گلشانیان

خاطرات زندگی سیاسی من

۹

مخصوص می آمد لحن تندى داشت و من که آشنا به طرز نامه‌های دفتر مخصوص بودم و روزهای آخر وزارت داور و بدر را دیده بودم بهر فقا گوشزد میکردم که ستاره سرتیپ در حال خاموش شدن است . که این موضوع قرارداد ضربه آخربود که بیچاره امیر خسروی را از کار برکنار کرد و دیگر هیچوقت کار دولتی اعم از کشوری و لشکری نداشت . مثلاً " یک ماه قبل از آخر سال چند روز از پرداخت حقوق وزارت جنگ که پانزده روز پانزده روز پرداخت می شد تأخیر شده بود یک سرهنگ و چند افسر دیگر به وزارت دارائی آمدند و گفتند آمده ایسم حقوق وزارت جنگ را فوراً بگیریم و دستور داریم تا پول پرداخت نشده وزیر و خزانه داری و دیحساب وزارت جنگ توقیف هستند . یاد دارم که در خزانه وجه لازم نبود . امیر خسروی بمن مراجعه و خواهش کرد اقدامی

این مطلب را هم بطور معترضه باید بگویم که از اواخر سال ۱۳۱۹ بنظر من کار امیر خسروی تمام بود . چون نامه‌هایی که از دفتر



امیر خسروی



علی منصور

در خیابان شاه . من با عجله به دفتر ایشان رفتم . در دفتر ایشان آقایان فرزین رئیس بانک ملی و آقای دکتر امینی مدیر کل اقتصادی



دکتر علی امینی

هم بودند . پرونده قرارداد یوکه سی سی که این جریانات مربوط به آن بود روی میز آقای نخست وزیر بود . ایشان جریان را از زبان آقای دکتر امینی شنیده بودند منم توضیح دادم و مخصوصاً "باین نکته تکیه کردم که جریان قرارداد بر خلاف مصلحت است و حق این بود که قبلاً" کسب اجازه می شد . ایشان توجه داشتند چون یادداشت کتبی من روی پرونده بود .

بعد از مدتی مذاکره مرحوم منصور گفتند

بکم . من به مرحوم وفا که طرف ما در دخانیات بود و قرارداد فروش سیگار و توتون با او بود مذاکره و خواهش کردم علی الحساب پانصد هزار تومان هر طوری شده تهیه و به خزانه بپردازد که بتوانیم حقوق وزارت جنگ را که چند روز عقب افتاده بود بپردازیم تمام این پیش آمدها حکایت داشت که وضع امیر خسروی حتی در نظر اعلی حضرت هم خوب نیست .

باری برگردیم به اصل مطلب - روز شنبه ۲۶ اردیبهشت من امیر خسروی را ندیدم و از جریانات شب شنبه هم در هیئت دولت کسی اطلاعی نداشت چون باز گو کردن جریانات و مذاکرات هیئت دولت در خارج بسیار خطرناک بود . صبح روز بعد یعنی یکشنبه ۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۲۰ من مثل هر روز صبحها پیاده به وزارتخانه میرفتم و این عادت من از بدو شروع به خدمت اداری بود و حتی در مقام وزارت هم هیچوقت ترک نشد .

در میدان سپه پیش خدمت را دیدم دوان دوان آمد و گفت جناب نخست وزیر از اول وقت چند مرتبه تلفن کردند و شما را احضار کردند که بدفتر ایشان در وزارت پیشه و هنر بروید علت اینکه قرار شد به وزارت پیشه و هنر برویم این بود که مرحوم منصور الملک علاوه بر نخست وزیری ، وزیر پیشه و هنر هم بودند ، صبحها در وزارتخانه پیشه و هنر میرفتند و بعد از چند ساعت که بکار وزارت رسیدگی میکردند به نخست وزیری میرفتند .

عمارت وزارت پیشه و هنر اجاره ای بود



یداله عضدی

زودتر اقدام کند و زیری برای وزارت دارائی انتخاب شود .

آقای منصور گفتند فردا شرفیاب میشوم و رسماً شما را معرفی میکنم بعد از رفتن منصور رفقا به من تیریک گفتند و من مبهوت ، ضمناً "خوشحال بدفتر خود رفتم و دنباله کارها را گرفتم و از آقای عضدی خواهش کردم مرا از جریان کارهای مالی وزارتخانه مرتباً آگاه سازند . بعد که اطاق خلوت شد وسیله تلفن با آقای منصور صحبت کردم و گفتم چه شد که این فرعونام من درآمد .

اظهار کرد مرا صریح شاه بود چون پرونده قرار داد را من بنظرشان رساندم یادداشت شط را که ملاحظه کردند فرمودند خود این شخص که معاون است کفیل شود من گفتم صلاح است من رد کنم ؟ چون به حقیقت حق من بیمناک بودم و اهمیت کار را خوب میدانستم . اظهار کرد بهیچوجه .

منهم تصمیم گرفتم خودم در موقع شرفیابی مطالبی بعرض برسانم . یک حاشیه میروم - برای اطلاع خوانندگان . اعلیحضرت رضا شاه در چند سال آخر سلطنت هر وقت یک وزیری مورد بی مرحمتی واقع می شد بجای او معاون

شما بروید وزارت دارائی که ایشان بروند شرفیاب شوند و اظهار کردند اعلیحضرت همایونی فرموده اند شخص دیگری را برای وزارت دارائی در نظر بگیرم و اصرار کردند تا تعیین وزیر جدید ما مراقبت کامل کنیم که کارها از جریان نیفتد . من به وزارتخانه رفتم و با مرحوم عضدی صحبت کردیم و به آقایان مدیر کلها تذکر دادیم که وزیر عوض شده و باید منتظر باشیم به بینیم چه شخصی وزیر دارائی خواهد شد .

ساعت یازده مرحوم منصور به وزارت دارائی آمدند و به اطاق وزیر رفتند و دستور دادند معاونین و مدیران کل حاضر شوند . بعد که همه حاضر شدند گفتند اعلیحضرت از اینکه بدون اجازه معظم له امیر خسروی اقدام کرده ناراضی شدند و ایشان را معزول و دستور فرمودند گلشائیان کفیل وزارت دارائی شود .

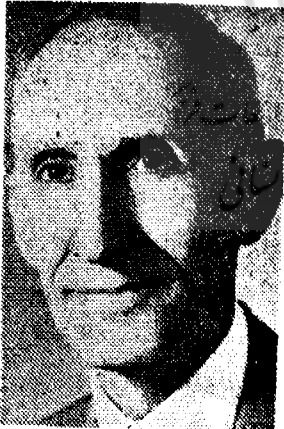
کفالت وزارت دارائی :

البته این اظهار بسیار غیر مترقبه بود چون عضدی معاون اول بود و بعداً اطلاع پیدا کردم شب قبل در دولت آقای عضدی را در نظر گرفته بودند که به شاهنشاه پیشنهاد کنند من در یک حالت عجیبی قرار گرفتم . از طرفی طبیعی است هر کس آرزوی رسیدن به مقام را دارد و از طرف دیگر تمام مشکلات وزارتخانه با آن طول و عرض کار و توجه و دقت شخص اعلیحضرت رضا شاه که خود من شاهد یک قسمت اقتصادی آن از سال ۱۳۱۵ تا آن سال بودم . خلاصه فقط تشکری کردم و گفتم اطاعت میشود ولی از آقای منصور خواهش کردم



سید محمد سجادی

بازرگانی بود مدتی کفیل بود چون شهریور
۱۳۲۰ پیش آمد وزیر نشد .



صادق وثیقی

خود من در ۲۷ اردیبهشت ماه ۱۳۲۴
کفیل وزارت دارائی شدم و در ۱۸ شهریور همان
سال وزیر دارائی شدم .

(ادامه دارد)

وزارتخانه را که مدتی بود معاون بود به کفالت
انتخاب می کردند . اگر بعد از مدتی از عهده
کار آنطور که دلخواه مقام سلطنت بود برمی آمد
وزیر می شد و سابقه زیادی داشت .



علی اصغر حکمت

آنچه بخاطر دارم در مورد این اشخاص
به همین نحو عمل شد .

آقای علی اصغر حکمت معاون بود ،
کفیل شد و بعد وزیر فرهنگ .

آقای دکتر سجادی مدتی معاون وزارت
راه بود بعد کفیل شد و سپس وزیر راه .

مرحوم بدر معاون بود بعد از داور کفیل
شد و یکسال بعد وزیر دارائی شد .

مرحوم مرآت معاون بود بعد کفیل و
سپس وزیر شد . صادق وثیقی معاون وزارت



اسماعیل مرآت